

فصلنامه علمی، آموزشی، سیاسی، اجتماعی
سال دوم، شماره سوم
زمستان ۱۴۰۱

میراث





راه ارتباطی ما



@azzahra-basij



mabous-znj



azzahra-basij



موفقیت‌های امروز در بسیاری از بخش‌ها، ناشی از آغاز نهضت علمی در حدود پانزده سال قبل است و جوانان دانشمند باید از خطوط مقدم علم جهانی هم بگذرند و تحقق این آرزو را زمینه‌سازی کنند که پنجاه سال بعد اگر کسی خواست از تازه‌های علم با خبر شود، مجبور باشد زبان فارسی یاد بگیرد.

بیانات رهبر - بهمن ۱۴۰۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

.....

- ۲ سخن مدیر مسؤول
- ۳ اومانيسم در غرب
- ۵ خليج فارس
- ۷ متاورس در آموزش
- ۹ داستان
- ۱۱ دلنوشته
- ۱۲ آسیب های اجتماعی - فرهنگي
مدرنیتة غربی
- ۱۴ مجموعه برسی و تحلیل هایی
حول کتاب الکترونیک
- ۱۶ اینفو گرافي
- ۱۷ کاریکاتور

فصلنامه علمی ، آموزشی ، سیاسی ، اجتماعی
سال دوم ، شماره سوم
زمستان ۱۴۰۱



صاحب امتیاز : بسیج دانشجویی پردیس الزهرا زنجان

مدیر مسؤول : مهسا بختیاری

سر دبیر : مهسا همتی

هیئت تحریریه :

زهرا فلاح نسیمی ، عبد الباسط سید کر ، معصومه شریفی ،

مهسا همتی ، مانده نعمتی ، پریسا کیلانی ، مریم برزگر ،

سید حامدمیر عماد

کاریکاتوریست : نگین صیادی

ویراستاران :



امیر رضا شریفی شقایق پاکی

گرافیسٹ و صفحه آرا : مهسا همتی

شماره مجوز : ۲۰۶ / ۸۷۵

باتشکر از : لادن حاجی انوری

اول دفتر به نام ایزد دانا صانع پروردگار حی توانا

مهسا بختیاری

مدیر مسئول نشریه مبعوث

دانشجوی کارشناسی آموزش زبان انگلیسی



پروردگار مهر آفرین را هزاران بار سپاس میگوییم که بر ما منت
نهاد و توفیق انتشار سومین شماره فصل نامه نشریه مبعوث را،
در مجموعه بسیج دانشجویی نصیبمان کرد .
امید که بتوانیم همواره در مسیر رشد و پیشرفت میهن عزیزمان
ثابت قدم باشیم . و به قدر توان، بر جریان پویایی علوم کارآمد
با دیدگاهی مبتنی بر تزکیه و تعلیم بیافزاییم. تقدیر و تشکر
می کنم از تمام عزیزانی که در این شماره همراهمان بودند و با
یاری شان به ما دلگرمی دادند....

اومانيسم در غرب



مهساهمتی

دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی
پردیس الزهرا (س) زنجان

هنگامی که انسان پندارد که خود، محور جهان هستی است، صنعت و فناوری در سیطره اوست، او با این توهمات، مهلک‌ترین ضربه را بر پیکر خود و بر انسانیت فرود می‌آورد! آن‌گاه که این انسان، قدرت، ثروت و شهوت را اصل دانست، برای ثروت اندوزی و بهره‌وری از لذات دنیوی، حاضر شد طغیان کند، با پیام‌آوران الهی بستیزد و آنان را از میان بردارد! غافل از اینکه تمام سرمایه‌های انسان از خداست و تمام انسانها بدون لطف و عنایت خداوند در نهایت فقر و بیچارگی‌اند.

اژه اومانيسم از ریشه لاتین «Homo» به معنای انسان، گرفته شده و برای نخستین بار در رم باستان در بحث از «انسان انسانی» در برابر «انسان الهی» مورد توجه قرار گرفته است. مطابق با این عقیده، انسان باید محور و مدار کائنات و کانون توجهات همه مکاتب و برنامه‌های آسمانی باشد. بدین سان، اصالت در همه زمینه‌ها از آن انسان و فهم او خواهد بود. به این ترتیب همه چیز به میزان بشری محدود می‌شود؛ بشری که خود غایت و نهایت خود است. پیشگامان تز اومانيسم، ضمن جایگزینی انسان محوری به جای خدا محوری چنین استدلال می‌کردند که درست است هدف سیاست، جلب رضایت خدا است، اما درواقع آن چه «بنده خدا» را راضی و خشنود کند، «خدا» را خشنود ساخته است. با این بهانه و مبنا، اعمال سیاست و حکومت نه برای جلب رضایت خدا، بلکه برای جلب رضایت انسان متمرکز شد و این خود بهانه‌ای بود که با آن، دین مسیحیت از صحنه سیاست و حکومت به کناری رانده شد. اومانيسم خود به دو طیف متأله و ملحد تقسیم می‌شود؛ هر دو طیف، اصالت را از آن انسان می‌دانند. اومانيسم‌های طیف دوم معتقدند که چون انسان آزاد است و وجود خداوند ملازم با محدودیت خواسته‌های انسان است، پس خدایی وجود ندارد.

انسان محوری تا جایی پیش رفت که نه تنها منکر دین آسمانی شد، بلکه خود مدعی اختراع دین جدید گردید. «اگوست کنت» در اواسط قرن نوزدهم، دین بشری را عرضه داشت و برای آن مناسک خاص تعریف کرد. اومانيسم تظاهر خودخواهی و خود محوری انسان پس از رنسانس و به خصوص پس از تضعیف اعتقادات دینی در غرب امکان ظهور و بروز بیشتری پیدا کرد؛ گرچه پیش از رنسانس نیز اومانيسم تظاهرات ذهنی و جزئی داشته است. این گفته «پروتاگوراس» را به یاد داشته باشیم که می‌گفت: «انسان مقیاس همه چیز است». بر مبنای تاریخی می‌توان گفت که اومانيسم، محصول روی گرداندن نیروهای اجتماعی از سنت‌های اسکولاستیک کلیسای قرون وسطا و روی آوردن به جهان انسانی نوین است. متفکران رنسانس می‌کوشیدند به بازیابی مفهوم انسان گرایی دوران‌های باستان بپردازند؛ بنابراین در این دوره اندیشه و عقل جزئی، فضایی گسترده‌تر و فراخ‌تر برای پرورش مفاهیم انسانی خودآفریده به ویژه در عرصه شعر و هنر یافت. اکنون انسان مرکزی بود که همه چیز برای وی در پیرامون وی فراهم آمده بود. انسان پی برده بود که اراده او در آفرینش شخصیت و حال و آینده و جهان اجتماعی‌اش نقش نخست را به عهده دارد؛ از این رو دیگر سرنوشت خود را تعیین شده به وسیله نیرو یا نیروهایی خارج از جهان محسوس نمی‌دانست. انسان پیش و بیش از هر چیز بر خود تکیه می‌کرد و سپس به جهان اطراف خود!



ادبیات اومانیستی

به نقل از آستین کلاین، متخصص اومانیست، اومانیسم ادبی یا ادبیات اومانیستی شامل مطالعه‌ی «علوم انسانی» است. برای مثال می‌توان به مطالعه‌ی زبان‌ها، فلسفه، تاریخ و ادبیات اشاره کرد. به عبارت دیگر، هرآنچه به جز الهیات و علوم فیزیکی را می‌توان در حیطه‌ی ادبیات اومانیستی در نظر گرفت.

اصرار به مطالعه‌ی علوم انسانی در اومانیست نه صرفاً برای منافع مادی بلکه در عوض به خاطر خود آن‌ها، یعنی به خاطر یادگیری فرهنگ و ادب صورت می‌گیرد. این نوع مطالعات بخشی از سنت‌های فرهنگی است که از یونان و روم باستان به جا مانده است. از نظر بسیاری از افراد، مطالعه‌ی علوم انسانی می‌تواند خود یک فضیلت مهم باشد یا وسیله‌ای برای رشد انسانی با اخلاق و بالغ. در قرن بیستم، از برجسب «اومانیسم ادبی» برای توصیف جنبشی در علوم انسانی استفاده می‌شد، که تقریباً و منحصرأ بر «فرهنگ ادبی» متمرکز بود، یعنی راه‌هایی که ادبیات می‌تواند جهت رشد فکری و شخصی به مردم کمک کند.

معروف‌ترین اومانیست‌های دنیا

وقتی نوبت به ادبیاتی می‌رسد که ابعاد مختلف فلسفه‌ی انسان گرایی و شیوه‌ی زندگی آن‌ها را بررسی می‌کند، انسان‌گرایان کتاب‌ها و آثار مختلفی برای انتخاب دارند، ما در ادامه شما را با چند نمونه از نویسندگان انسان‌گرا آشنا می‌کنیم که رمان‌ها و مجموعه داستان‌های کوتاه آن‌ها دارای مضامین انسانی است.

آنتوان دو سنت اگزوپری نویسنده‌ی فرانسوی معروفی است که بدون شک، به خاطر تفکر اومانیستی خود با مشهورترین اثرش، شازده کوچولو شناخته شد. او در این کتاب، انسان را موجودی پاک و بی‌گناه نشان می‌دهد. که از کودکی با فضیلتی خاص متولد شده است، اما استعداد زیادی در گمراه شدن دارد. این داستان اساساً اومانیستی است زیرا مردم را ذاتاً خوب، اما ناقص می‌داند.

زورا نیل هرستون نویسنده‌ی دیگری است که بیشتر به خاطر رمان «چشم‌هایش خدا را تماشا می‌کرد» مشهور شده است. به قول ربکا واتسون، «زورا قبل از اینکه خداناواری مد شود خداناوایر بود».

ریشه‌های آزاد اندیشی او به کودکی باز می‌گردد، زیرا او ایمانی را که به عنوان دختر مبلغ باپتیست پرورش یافته بود زیر سال برد.

دوريس لسینگ داستان نویس، شاعر، نمایشنامه نویس و رمان‌نویس انگلیسی بود. «دفتر طلایی» و «خاطرات یک بازمانده» که از رمان‌های او هستند، غالباً به اوضاع زنان و رنگین‌پوستان در طول جنگ‌های جهانی، ظهور کمونیسم و آغاز جنبش آزادی زنان اختصاص دارد. وی در سال ۲۰۰۷ جایزه‌ی نوبل ادبیات را دریافت کرد.

به این ترتیب اندیشمندان عصر رنسانس همواره در واکنش به مفهوم کلیسای سده‌های میانه از انسان که وی را موجودی ناچیز، بیچاره، گناه‌زده و گناهکار می‌دانستند و امکان رستگاری وی را اندک و سرنوشت او را در تقدیر الهی از پیش تعیین شده تلقی می‌کردند، درباره مفهوم ارجمندی و قدرت ستیز و تغییر تقدیر انسان سخن‌ها گفتند و نوشتند. آن‌ها می‌کوشیدند «ارزش گمشده انسان را برای او بازیافته و به وی بازگردانند؛ بنابراین از این دوران به بعد خصوصاً در نقاشی و مجسمه‌سازی، پیکر انسان و طبیعت پیرامون وی، ویژگی بارز و تشخیص محسوسی می‌یابد. اکنون با ظهور اومانیسم، همه چیز زمینی شده‌است، حتی تصاویر موجودات آسمانی نیز در قالب‌های پررنگ و نقش لمس شدنی زمینی درآمده‌اند».

نتیجه طبیعی دیدگاه اومانیستی، قدرت‌مداری و به تبع آن، سلطه و اقتدار برای تغییر معنای زندگی، ارزش‌های آن و ماهیت آدم و عالم است که با گسترش علوم نوین و فرآورده آن یعنی تکنولوژی، عمق می‌یابد. فرهنگ غرب از طریق همین ابزارهای تکنولوژیکی است که بر فرهنگ و طبیعت اقوام و ملل استیلا می‌جوید. در این راستا، حتی پژوهندگان علوم اجتماعی نیز وقتی تاریخ را تاریخ آزادی بشر می‌خوانند و تحقق آزادی مطلق را در آینده بشر قطعی می‌انگارند، از حد توصیف وقایع خارج شده و به عالم اوهام می‌روند؛ زیرا «بشر جدید، وجودی وابسته به کار و کارپردازی و عقل معاش شده است و به تمام امور حتی به خود و آزادی خویش نیز از این وجه نظر می‌کند».

آزاداندیشی در فرهنگ غرب صرفاً نسبت به بندگی آداب دینی و سنن گذشته لحاظ می‌شود. از دیدگاه تمدن غرب، انسان جدید دیگر به چیزی بسته نیست و از دین و گذشته و خویش رسته است. به تبع همین نگاه است که جدایی، تنهایی، سرگردانی و دور ماندن از وطن و بیگانه گشتن و غربت از یار و دیار پیش می‌آید که خود بزرگ‌ترین درد بشر متمدن امروز است و درواقع بهایی است که اومانیسم برای توهّم انسان آزاد و سراب آزادی انسان پرداخته است.

اومانیسم در جست‌وجوی آن است که مدرن، فارغ از تعصبات ملی و میهنی و رقیبی دموکراتیک نسبت به ادیان سنتی و دیگر نگرش‌های اجتماعی اقتدارطلب و ستمکار باشد. اما پرسش این است که اومانیسم چگونه می‌تواند الگوی زندگی خاص، خداانکار و رقیب ادیان بوده و در همان حال، نمودار ارزش‌هایی باشد که حقوق بشر را مورد حمایت قرار می‌دهند و از سوی مردم همه یا بیشتر ادیان یا الگوهای زندگی مورد پذیرش قرار گیرد؟ نمی‌توان مردم دیگر ادیان یا با شیوه‌های زندگی متفاوت را مجبور به پذیرش اومانیسم به‌عنوان یگانه شیوه زندگی کرد. به نظر می‌رسد پاسخ به این پرسش آن است که اومانیسم ایده حقوق بشر با اومانیسم به عنوان الگوی زندگی تفاوت دارد. می‌توان نخستین نوع اومانیسم را «اومانیسم مردمی» و دومی را «اومانیسم وجودی» نام نهاد. اصطلاح اومانیسم مردمی را از این رو به کار می‌بریم که اومانیسم حقوق بشر، مربوط به روابط انسانی در جامعه سازمان یافته است.

اصطلاح اومانیسم وجودی به وجود انسانی به نحو عام ارتباط می‌یابد و نه فقط به روابط انسانی موجود در جامعه سازمان یافته. بهترین مظهر اومانیسم وجودی عبارتست از اومانیسم سازمان‌های اومانیستی و جنبش‌های ملی اومانیست. می‌توان از اصطلاح اومانیسم ایدئولوژیک نیز برای اشاره به این مظهر از اومانیسم وجودی نیز استفاده کرد. برای جلوگیری از هرگونه سوءتفاهم می‌توان از اصطلاح «اومانیسم بشردوستانه» به جای اومانیسم مردمی بهره گرفت و این نام را به اومانیسم در مفهوم الگوی زندگی اطلاق کرد. به هر حال دو دلیل وجود دارد که اطلاق نام اومانیسم بر نوع اومانیسم مردمی را توجیه می‌کند: یکی این‌که این نام درحقیقت به مفهوم اخلاق موجود در حقوق بشر اشاره می‌کند و دوم آن‌که هدف حقوق بشر، تأمین و تضمین شأن و منزلت انسانی است که این خود کاربرد واژه «اومانیسم» را توجیه می‌کند.



خلیج فارس یا دریای پارس، آبراهی است که در امتداد دریای عمان و در میان ایران و شبه جزیره عربستان قرار دارد. این خلیج بازمانده گودال بزرگی است که از دوران گذشته زمین شناختی تحت تأثیر فشار ناشی از آتشفشان های فلات ایران بوده است و پایداری فلات عربستان در برابر این واکنش های تکنیکی سبب ایجاد و توسعه پهنا و ژرفای آن شده است.

خلیج فارس با وسعتی در حدود ۲۳۲۸۵۰ کیلومتر مربع و محیطی بالغ بر ۵۵۷۹۸۰۰ متر، در موقعیت جغرافیایی نصف النهار گرینویچ قرار گرفته است که در آغاز بسیار وسیع بوده و خلیج پارس امروزی بخش کوچکی از گستره آبی پهناوری است که در روزگاران قدیم دریای پارس نامیده می شد. زمین شناسان معتقدند که در حدود ۵۰۰ هزار سال پیش، صورت نخستین خلیج فارس در کنار دشت های جنوبی ایران تشکیل شد و به مرور زمان، بر اثر تغییر در ساختار درونی و بیرونی زمین، شکل ثابت کنونی خود را یافت. آب و هوای این ناحیه در ماه های آذر، دی و بهمن خنک بوده و بقیه ایام سال دارای هوای گرم و مرطوب است و از مناطق گرم جهان محسوب می شود. این خلیج اصولاً دارای آب و هوای صحرایی است، که باران کم و میزان تبخیر آب در آن زیاد است و از شورترین دریاها است. خلیج فارس در طول تاریخ با نام سرزمین ایران توصیف شده است. آثار باستانی برجای مانده از شهرهای ساحلی خلیج فارس مانند بوشهر خارک، سیراف و بند طاهری حکایت از وجود یک تمدن شش هزار ساله سواحل خلیج فارس می کند. کهن ترین نام خلیج فارس که در کتیبه آشوری آمده است

”نارموتو“ به معنای دریای تلخ است که به شوری زیاد این دریا اشاره دارد. در آثار برخی تاریخ نگاران یونانی از این دریا با نام های ”پرسیکوس“ یا ”پرسیکوم ماره“ یاد شده است. در برخی از منابع تحت حمایت بیشینه دولت های عربی و گاه غیر عربی از خلیج عربی به جای خلیج فارس نام برده شده که برای مقابله با این جعلی سازی، دو قطعنامه در سازمان ملل متحد برای پاسداری از نام خلیج فارس تهیه شده است. خلیج فارس جزیره های مسکونی و غیر مسکونی فراوانی دارد که در نزدیکی سه استان خوزستان، بوشهر و هرمزگان قرار دارند. از جمله جزایر معروف این خلیج می توان به مینو، کیش، قشم، خارک، ه هرمز و لارک اشاره کرد. در رابطه با تنگه هرمز این موضوع حائز اهمیت است که یک آبراه حیاتی و راهبردی بین دریای عمان در جنوب هشرقی و خلیج فارس در جنوب غربی است. خلیج فارس در طول قرون اخیر، از نظر استراتژیکی و مسائل منطقه ای و بین المللی از اهمیت ویژه ای برخوردار شده و بیشترین اهمیت آن به مسائل اقتصادی برمی گردد. وجود منابع عظیم نفت و گاز و صنایع پتروشیمی در خلیج فارس علت واقعی اهمیت اقتصادی این منطقه میباشد.

موقعیت تجاری مناسب این منطقه، باعث اهمیت آن به عنوان مرکز تجاری یا راه ارتباطی بین شرق و غرب شده است. بازار منطقه خلیج فارس، همچنان ارزش خود را به عنوان بازار فروش خدمات و کالاهای مصرفی و سرمایه ای و یا بازار سرمایه حفظ کرده و نقش بسیار حساسی را در تعادل تراز پرداخت های خارجی کشورهای جهان (به خصوص کشورهای صنعتی غرب و ژاپن) به عهده دارد. اهمیت دیگر خلیج فارس به وجود منابع غنی معدنی و غذایی این منطقه است. در این منطقه انواع و اقسام ماهی های خوراکی و تزئینی و همچنین منابع معدنی مانند آهن، خاک سرخ، گوگرد، سرب و... فراوانی یافت می شود. این خلیج از منظر ارائه خدمات نوین دریایی و بندری نیز حائز اهمیت است. انرژی و امنیت دو موضوع کلیدی و راهبردی در این منطقه است. ترکیبات امنیتی خلیج فارس از دیرباز مورد توجه بازیگران منطقه ای و بین المللی قرار داشته است. ایران با وجود تلاش کشورهای غربی برای ایجاد پایگاه های نظامی در این منطقه، انواع تهدیدات، یورش و ناتوی فرهنگی، جنگ سایبری و انواع تروریسم، امنیت این منطقه را با استفاده از موقعیت نظامی خود حفظ کرده و هر برنامه ای که در این زمینه نیاز باشد، از سوی ایران طراحی و تدوین می گردد.

”خلیج فارس را بینم که چون فیروزه ای رخشان

به امواج بلند و نقره گون، با من سخن گوید:

منم اینک خلیج فارس، آن دریای گوهرزای ایرانی“

هما ارزنگی



سید حامد میرعماد
دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی
پردیس آیت الله مدنی قم

زانجا که دلم خورده گره، مهر تو جاوید

باید که بمیرم که کنم، عشق تو تمجید

در وهم عمیقی که فرو رفته ای انگار...

زنهار؛ که اصل و نسبش پارس، چه تردید ...؟!



معصومه شریفی

دانشجوی کارشناسی آموزش زبان انگلیسی

پدیس الزهرا (س) زنجان

سیر تحول تاریخی متاورس

اگرچه متاورس مفهومی نو به نظر می‌رسد، اما حدود سه دهه است که از این فناوری استفاده می‌شود. در حال حاضر بزرگ‌ترین و معروف‌ترین پلتفرم‌هایی که در متاورس فعالیت دارند عبارت‌اند از: دیسنترالند، سندباکس و اکسی اینفینیتی. در سال ۱۹۹۲، برای اولین بار Neal stephenson.

نویسنده آمریکایی، مفهوم متاورس را در رمان خود به نام Snow crash استفاده کرد. بعد از گذشت ۱۹ سال نوشته‌های آقای استنفسون مورد توجه قرار گرفت و در سال ۲۰۱۱ این واژه با گستره معنایی وسیع‌تری در رمان Ready player one نوشته Ernest cline مورد

استفاده قرار گرفت. سپس در سال ۲۰۱۶ کارگردان معروف استیون اسپیلبرگ شروع به تولید و ساخت فیلم رمان Ready player one کرد و این کار باعث همگانی‌تر شدن این واژه شد. در سال ۲۰۱۷، ویالیک بوتترین که موسس بلاک چین و ارز دیجیتال است، شروع به توسعه برنامه‌های غیرمتمرکز کرد و توسط آن‌ها امکان تولید توکن‌های غیرمثلی (nft) به وجود آمد. که با کمک آن‌ها کاربران می‌توانند آواتارهای خود را در متاورس بسازند. با وجود چنین توجهی که به این ابزار می‌شود، این احتمال وجود دارد که در آینده شاهد رشد فضاهای مجازی‌ای باشیم که افراد می‌توانند فعالیت‌های مختلفی را برای کار یا اوقات فراغت انجام دهند. در جولای ۲۰۲۲ مشخص شد که حدود ۵۱ مقاله با کلیدواژه "متاورس" منتشر شده و به ۱۰ مقاله با این کلیدواژه ارجاع داده شده است.

متاورس چیست؟

واژه متاورس از دو قسمت Meta (به معنای فراتر) و Universe (به معنای جهان)، تشکیل شده است. در حالت کلی، این کلمه را می‌توان فرا جهان معنی کرد و آن را همان دنیای موازی دانست. در واقع، متاورس یک محیط سه بعدی مجازی به هم پیوسته است که مردم می‌توانند در سراسر جهان برای به اشتراک گذاری تجربیات خود گرد هم آیند. این بستر از فناوری‌هایی مانند واقعیت افزوده (AR)، واقعیت مجازی (VR) و هوش مصنوعی (LA) استفاده می‌کند تا یک محیط مشابه با دنیای فیزیکی ایجاد کند. طبق پیش‌بینی‌های انجام شده، در سال ۲۰۲۶ یک چهارم جمعیت حداقل یک ساعت از روز را در متاورس سپری خواهند کرد.



آینده آموزش با حضور متاورس

طبق پژوهش انجام شده توسط آقای هوانگ و شین در سال ۲۰۲۲، دلایل متعددی برای چرایی استفاده از متاورس در محیط آموزشی آورده شده است. مانند:

- ۱- قرار دادن دائمی فراگیران در یک تمرین شناختی یا مهارتی محیطی که می‌تواند در دنیای واقعی خطرناک باشد.
- ۲- برای توانمند ساختن یادگیرندگان به منظور درک یا یادگیری موضوعی که نیاز به مشارکت و تمرین طولانی دارد.
- ۳- برای تشویق فراگیران به تلاش برای ایجاد یا کشف مطالبی که آن‌ها نمی‌توانند در دنیای واقعی به دلیل برخی موارد مانند هزینه یا کمبود مواد، انجام دهند.
- ۴- برای اینکه یادگیرندگان بتوانند دیدگاه‌ها یا نقش‌های مختلف را درک، تجربه یا مشاهده کنند.

طبق گفته‌های پروفسور علی اکبر جلالی، آینده پژوه، استاد دانشگاه مریلند و رئیس کرسی یونسکو در آموزش و یادگیری الکترونیکی که در نشست با عنوان "آینده دانشگاه و متاورس" ذکر شد، متاورس یک محیط فراگیر با پیامدهای قابل توجه برای آموزش و یادگیری به وجود خواهد آورد. جلالی در پاسخ به این سوال که آیا شما روزی را می‌توانید تصور کنید که در یک دانشگاه متاورسی حضور دارید؟ می‌گوید: ما اکنون حس مثبتی داریم و احتمالاً به آن سمت می‌رویم. ما اکنون از تورهای مجازی دانشگاهی استفاده می‌کنیم. با توجه به این گفته‌ها و پژوهش‌های انجام شده در آینده‌ای نه چندان دور شاهد حضور این ابزار در سراسر جهان خواهیم بود. متاورس با استفاده از فناوری‌های هوش مصنوعی (AI)، واقعیت افزوده (AR) و واقعیت مجازی (VR) می‌تواند یک بستر مناسب برای برگزاری کلاس‌های آموزشی ایجاد کند. این ابزار باعث کنترل بهتر کلاس، افزایش مشارکت در کلاس، اشتراک‌گذاری، دسترسی آسان و صرفه‌جویی در زمان و هزینه می‌شود. شخصی‌سازی کردن مطالب، تجسم و شبیه‌سازی با این ابزار می‌تواند در امر آموزش بسیار موثر واقع شود. کارشناسان پیش‌بینی کرده‌اند که حجم بازار آموزش هوش مصنوعی تا سال ۲۰۲۷ به بیش از ۲۰ میلیارد دلار برسد. با گذر زمان، تمایل شرکت‌ها برای سرمایه‌گذاری در بستر متاورس افزایش پیدا می‌کند. آزمایشگاه واقعیت مجازی فیسبوک همکاری خود را با مجموعه Edx و Coursera (پلتفرم‌های آموزش آنلاین) شروع کرده‌است تا به کمک فناوری واقعیت مجازی برنامه‌های آموزشی متنوعی طراحی کند. هم‌اکنون نیز تعدادی از دانشگاه‌های مطرح دنیا از متاورس استفاده می‌کنند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: دانشگاه توکیو، دانشگاه NTU در سنگاپور، دانشگاه استنفورد، دانشگاه نیومکسیکو و دانشگاه کالج لندن. در کشور ما نیز برخی دانشگاه‌ها مانند صنعتی شریف و تهران، برنامه‌هایی برای ادغام با متاورس دارند. بنابراین باید برای زندگی در دنیایی دیگر آماده شد؛ زیرا در آینده‌ای نه چندان دور آن را تجربه خواهیم کرد.





زهرا فلاح نسیمی

دانشجوی کارشناسی دانش آموز با نیاز های ویژه

پردیس شهید باهنر همدان

چشم هایش دیگر مانند گذشته سو نداشت. دستانش می لرزید و به سختی راه می رفت اما همچنان صلابت گذشته را در رفتارش می دیدی. گمان نمی کردم که درخواستم را برای مصاحبه قبول کند و بیاید. اما حق با معینی بود، معینی گفت اگر استاد بگوید می آید، حتما می آید. بعد از صحبت های روزمره از او پرسیدم: _ استاد آماده اید برویم سراغ خاطرات؟ عصایش را کنار صندلی گذاشت و گفت: _ بله آقای فرجی. بعد از پرسیدن سوال های مختلف در مورد سال های خدمتش، از او پرسیدم: _ اتفاقی بوده که باعث خجالت شما بشه؟ مکث کرد و گویی به گذشته برگشته باشد، لبخند زد و گفت: سال شصت و نه بود که به عنوان ناظم در دبستانی واقع در تجریش خدمت می کردم. خبری از لرزش دستان نبود و چشمانم همچو عقاب تیز بود. آن سال ها گمان می کردم خشکی و درشتی برای یک ناظم کافی است. مایل نبودم که ناظم باشم اما این تصمیم اداره بود و ما نیز باید اطاعت می کردیم. بهمن ماه بود و مدرسه برای جشن های پیروزی انقلاب پر از غوغا بود. بچه ها به گروه های مختلفی تقسیم شده بودند. یک گروه برای تزیینات و دیگری برای نمایش و سخنرانی و ... اما مهم ترینشان گروه سرود بود، گروه سرودی که نامش دهه فجر بود. موقع گروه بندی اصلا موافق نبودم که بچه های گروه سرود در یک گروه قرار بگیرند. آقای فرجی قطعاً می توانید حدسش را بزنید که علت این مخالفت چه بود. اعضای گروه سرود، بچه هایی بودند که مدرسه را روی سرشان می گذاشتند ، از مدرسه فرار می کردند، ماشین معلمشان را پنجر می کردند، اسمشان ورد زبان ناظم بود و معدل هایشان از ۱۲ بالاتر نمی رفت.



پدر غلامرضا نیز دیگر اجازه نداد که از حیاط خانه اش برای تمرین سرود استفاده کنند. عوامل مدرسه دیگر روی گروه سرود هیچ حسابی باز نمی کردند و آقای مسعودی زمان گروه سرود در جشن را به نمایش اختصاص داد. روز بیست و دوم بهمن ماه بود و همه در گیر و دار اجرای جشن بودند. خبری از بچه های گروه سرود نبود و همه راضی بودند از نبودشان. بعد از سخنرانی فرهاد را دیدم که با آقای مسعودی صحبت می کرد و از چشم هایش می توانستم تمنا و خواهش را ببینم. آقای مسعودی مرد مهربانی بود و می دانستم که آخرش تسلیم خواهش های فرهاد می شود. و همینطور هم شد و قرار شد بچه ها سرود بخوانند. چیزی که انتظارش را داشتیم یک گروه سرود کم جمعیت و ناهمانگی صداها بود. اما چیزی که پیش آمد همه را متحیر کرد. همه اعضای گروه، پایشان را بالا برده و با عصا ایستاده بودند. حسن درست در وسطشان بود. سر بند های یا حسین و یا علی بسته بودند بر پیشانیهای و همگی پلاک هایی با نام شهدا بر گردنشان آویخته بودند.

یا حسین

ترکیب سرود و نمایش فکر هوشمندانه و خلاقانه ای بود. آقای فرجی من در ۲۲ بهمن سال ۶۹ خجالت زده شدم و ایستادم و برایشان دست زدم. آن ها حسن را از گروه کنار نداشتند بلکه او را در مرکز گروه قرار دادند و این جواهری، پیروزی انقلاب را ثابت می کرد. استاد با یاد آوری خاطرات آن سال ها لبخند عمیقی زد، این لبخند بی شک شبیه همان لبخندی بود که موقع تحسین گروه سرود دهه فجر زده بود.

در دهه فجر بچه های گروه سرود با شور و اشتیاقی که از آن ها بعید بود، تمرین می کردند. نمی شد گفت که کارشان خوب بود، چون واقعا خوب نبود. اما چیزی در بینشان بود که من تا به آن روز در هیچ گروهی ندیده بودم. یکی از آن ها پسری به نام فرهاد بود. فرهاد هفته قبل کارنامه یکی از بچه های ممتاز را به شهر بازی برده بود تا بلیط بگیرد. به سبب این ماجرا یک هفته اخراج شده بود. حضور فرهاد در گروه سرود من را نسبت به آن گروه بدبین می کرد. بچه ها برای تمرین خود مکان مناسبی می خواستند و بعد وساطت آقای مسعودی، معاون مدرسه راضی شدیم که یکی از کلاس ها را بعد از تعطیل شدن مدرسه به آن ها بدهیم تا تمرین کنند.

ما چیزی که من انتظارش را داشتم، اتفاق افتاد. حسن، یکی از اعضای گروه شیشه پنجره کلاس را شکسته بود. این اتفاق مدیر را عصبانی کرد. من هم که از اول مخالف تشکیل چنین گروهی بودم، مدیر را تشویق کردم تا گروه را منحل کند. بعد از التماس های بچه ها و تعهد فرهاد، مدیر اجازه داد تا گروه باقی بماند اما دیگر کلاسی برای تمرین به آنها ندادیم و بچه ها هر روز جایی به غیر از مدرسه تمرین می کردند. پارک، وسط میدان و یا حیاط خانه غلامرضا پنج روز مانده بود به روز جشن که حسن از پله مدرسه سر خورد و پایش شکست و دیگر نمی شد ایستاده سرود خواند و از آن جایی که کسی حاضر نمی شد به گروه سرود بپیوندد، راهی جز منحل شدن گروه نبود.

اگر بخواهم از حال این روزهایمان برای تان بنویسم: شرح حال مان همان جمله معروف است که می گوید حال همه ما خوب است اما تو باور نکن. هر لحظه به این فکر می کنم که اگر بودید، اگر حضورتان بود، اگر سایه شما بر سر این ملت و کشور بود، هرگز دچار بحرانی این چنین نمی شد. این روزها همه ما به حضورتان به وجودتان احتیاج داریم، جای جای این کشور رد پای شماست و ما هر کجا که قدم می گذاریم تمام وجودمان را غم نبودنتان میگیرد، برایمان دعا کنید تا در این روزها ریسمان اتحادمان از هم ننگسلد و دستان یکدیگر را رها نکنیم، طامعان زیادی درانتظاراین هستند که ماروبروی یکدیگرقراربگیریم و همدیگراازاردهیم اما تانگاه شمابه این کشوراست خیالشان چیزی جز باطل نیست، نگاهمان کنید، این روزهابیش ازپیش نیازمندنگاه ودعای شماایم.





برسی آسیب های اجتماعی – فرهنگی مدرنیته غربی



پریسا گیلانی
دانشجوی کارشناسی آموزش تربیت بدنی
پردیس شهید باهنر کرمان

ایستگاه اول : نردبانی برای سقوط

مدرنیته ی غربی، این عبارت زیبای زشت ، این مدرنیته بودنی که تمدن بشری را لای پیچ و مهره هایش خورد میکند و می نازد به این خرابه ای که از عمارت انسانی درست کرده ؛ به خورد و خاک شیریه های پس مانده از شعار های آبادی ، به ذوب کردن مغزهای کودکان در کوره قهرمان های پوشالی، به زندان زنیت زنان پشت میله های دروغین آزادی ، به فریاد عدالت خواهی از زبان خالق جهان نوکر اربابی ، به خدایی کردن انسان برای شخم زدن در لجن زار لذت و شادی، به خاموشی ها و خواب های توجیه شده زیر چشم بندروشنگری و بیداری ، به مالک شدن خاک های اباء واجدادی ، به این عدالت گزینشی در حقوق بشر قراردادی ، به تفنگ های سرپر روی شقیقه کودکان سوری و لبنانی ، به هوس شوم چند تکه کردن خاک ایران و ایرانی....

ایستگاه دوم : و شب شط جلیلی بود

مدرنیته غربی ظاهراً زاده شده بود تا زنجیر از کف پای تاول زده ی بشر متحجر و تو سری خور باز کند ؛ تا قوانین گندیده ی پادشاهی را با آب پاک آزادی بشوید ؛ پیوند دُموس و کراسی را زنده کند ؛ حکومت مردمی را زاده کند و همیراند دیکتاتوری های خو گرفته با خونابه جنگ ها و کشتار ها را؛

ایستگاه سوم : و شب ، شط علیلی بود

اما این تنها یک تیزر زیبا و در عین حال دستکاری شده از فیلم جنایت های مدرنیته غرب بر سر جهان است؛ از فیلمی که مخاطب را با ارابه ی مرگ رسانه ی جهت دار، هیپنوتیزم می کند و چشم هایش را به روی پادشاهی سرمایه داران و جهان نوین طبقاتی می بندد ؛ و این حاصل کارگردانی قارون های قدرتمند جهانی است که روی یک کفه ی ترازوی عدالتش، ثروت بیست درصد سوسیالیست هاست و در کفه ی دیگر تمام دارایی باقی این کره نه میلیاردی.... این نه میلیاردی که بازیچه دست های آلوده اقلیتی هستند که باید با تمام توان پارو بزنند تا کشتی مدعیان انسان دوستی به ساحل آرامش برسد و در آخر دست بوس ناخدای توخالی ای باشند که برده هایش را خوراک کوسه فقر و گرسنگی نکرده است ؛



ایستگاه آخر : طول زنجیر به طول بردگی است.

اما اینک این قطار تند روی نابودی به ایستگاه آخرش رسیده و آن رهروانی که زمانی با پای برهنه پا به پایش می دویدند تاجهان مدرن غرب را چون کلید نجات بر قفل خود ساخته ی جامعه شان بزنند ؛ به سرنوشت اهالی کتیبه ی اخوان دچار شدند، و به شب هایی که لعنت از مهتابش می بارد و به دور باطلی که برای رهایی از پوچی طی کرده بودند؛ به شعار های زیبا صورتی که سیرت آلوده اش زیر رنگ و لعاب اوزان و قافیه ها و کلمات آرایش شده ، مخفی شده بود ؛ به عبارات شیک و مجلسی توخالی، به سکولاریسم ها و اومانیزم ها که همراه قهوه و کافه و سیگار بساط روشنفکران خیابانی را مهیا میکرد تا زهر خودکشی را با لالایی به وطنشان بنوشانند و خاک شان را به دست گرگ هایی که جامه بره ها را دریده و به خود پوشانده اند ، بدهند.

مقصد نهایی ، نظم نوین جهانی

امروز اما گام های جهان از ادامه این مسیر محکوم به سقوط پا پس کشیده ؛ آن نظم نوین اندک اندک زاده شده ، اسکلتش شکل گرفته ، به راه افتاده و اکنون برای به کرسی نشستن ، نیاز به آن موسی تبارانی دارد که کاخ خدایی فرعون ها و نافیان توحید را با ید بیضای خود که جهاد تبیین است ، در هم بکشند و به آن ابراهیم صفتانی که تبر توحید را بر بت های دنیامداری بزنند و بشکنند هر آنچه قبح شرک را بشکنند...



مجموعه بررسی و تحلیل‌هایی حول کتاب الکترونیکی؛ کاربردها و ویژگی‌های آن ۱



عبدالباسط سیدکر

فارغ التحصیل کارشناسی رشته امور تربیتی

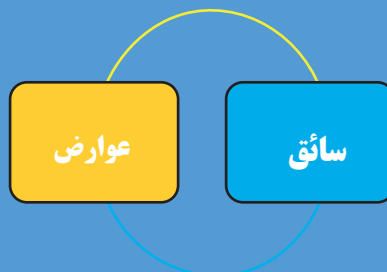
پردیس دکتر بهشتی گنبدکاووس

مقدمه

بشر از اوان خلقت تاکنون با تحولات و بدایع گوناگونی روبه‌رو شده‌اند و هر یک نیز به نوبه خود تأثیر عمیق و ژرفی بر روند زندگی وی داشته‌اند. در واقع با تحول و ظهور انقلاب تکنولوژی در دهه ۱۹۸۰ جهان به مرحله جدیدی گام نهاد که در آن رسانه‌ها با بروز و گسترش خود به یکی از عوامل کلیدی و اساسی متحول‌سازنده جامعه مبدل گردیدند.

ضرورت تغییر و تحول در ابزار

آموزش و پرورش نیز به‌عنوان مهم‌ترین پایگاه و مرکزی که در همه کشورها دیده ویژه و خاصی سوی آن معطوف است به دور از تغییرات و تحولات انقلاب تکنولوژی و فناوری نبوده است. شایان ذکر است که انقلاب مذکور موجبات تحول و تغییر ابزار و رسانه‌های آموزشی را فراهم آورده است و متدهای نوین و البته تأثیرگذاری را وارد حیطه آموزشی نموده است. چنین فناوری‌ها و تکنولوژی‌هایی که تحت عنوان رویکرد و قالب‌های نوینی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند نقشی مکمل داشته و موجبات ارتقای کیفیت تدریس، متنوع ساختن شیوه‌ها، مهیا نمودن آموزش‌های خودکار و مستمر در قالب زمانی مختلف اعم از کوتاه مدت و ... و البته توجه به استعدادها و فراگیران و مقابله با مشکلات آموزش گروهی و جمعی را فراهم می‌آورند (ملکی، ۱۳۸۸). یکی از ابزارهایی که در چند دهه اخیر توجه علمای تعلیم و تربیت را به خود جلب کرده است کتاب‌هایی موسوم به کتاب الکترونیکی می‌باشند. در حقیقت کتاب‌های الکترونیکی علاوه بر این‌که رویکرد و طرح اصلی کتاب‌های سنتی و فیزیکی را با خود دارند منافع و مزایای دیگری را نیز به مطالعه کننده و استفاده کننده خود فراهم می‌آورند. اجتماع چنین ویژگی‌های خاص و کاربردی با وجود هجده اطلاعات و دانش، علمای تعلیم و تربیت را بر آن داشته است تا با دید عمیق‌تر و متنوع‌تری به کاربرد این نوع کتاب‌ها در عرصه آموزش روی آورند. یکی از نتایج پژوهشی لرکی و همکاران گویای آن است که استفاده از این نوع کتاب‌ها در حیطه آموزش باعث جذابیت بیشتر و سائق فراگیر جهت گرویدن به مطالعه و یادگیری است (لرکی و همکاران، ۱۳۹۴). به‌واقع وجود و حضور دو عامل اساسی که در شکل (۱) بدان‌ها اشاره می‌شود موجبات توجه هر چه بیشتر به کتاب الکترونیکی را فراهم آورده است.



شکل (۱): عوامل اساسی استفاده از کتاب الکترونیکی

در حقیقت وجود دو عامل مذکور یعنی عوارض و سائق، موج توجه و کاربرد کتاب‌های الکترونیکی را در چند دهه اخیر موجب شده است که هر یک به تفصیل مورد بحث قرار می‌گیرند.

عامل اول: سائق: یکی از دو عامل اصلی سائق می‌باشد. نوع بشر تمایل شدیدی به آموزش مادام‌العمر و استفاده بدون مقید به زمان و مکان از دانش و البته آموزش و کسب دانش و بینش جهت تحول و بهبود زندگی خود دارد که همه این عوامل سائق و سوق دهنده بشر جهت تحصیل علم و دانش در قالب ابزار و وسایلی است که قابلیت به روزرسانی سریع داشته باشند.

عامل دوم: عوارض: عامل دیگر که کاربرد کتاب الکترونیکی را بیش از پیش مورد توجه قرار می‌دهد عوارضی است که به حیطه دانش بشر ورود پیدا می‌کنند و آن افزوده شدن و به روز شدن شدن اطلاعات و دانش بشر در حیطه و عرصه‌های مختلف می‌باشد. علم و دانش بشر در زمینه های مختلف دچار سه نوع تحول اساسی می‌شود که به قرار ذیل می‌باشند: (۱) یا اعتبار آن ساقط می‌شود؛ (۲) یا دچار تغییرات ظاهری و کمی می‌شود؛ (۳) یا اعتبار اطلاعات حفظ می‌شود. در هر حال هجمه اطلاعات وسیع و انقلاب گونه آن باعث و سائق با کاربرد کتاب الکترونیکی می‌باشد.

مفهوم‌شناسی کتاب الکترونیکی



پیش از این با ضرورت تغییر و تحول ابزار انتقال اطلاعات و دانش بحث شد، در ادامه به مفهوم‌شناسی کتاب الکترونیکی اشاره می‌گردد. کتاب الکترونیک معادل فارسی واژه Electronic Book می‌باشد. فرهنگ آنلاین مریام وبستر در تعریف واژه کتاب الکترونیکی آن را کتابی می‌داند که: «برای نمایش در روی صفحه رایانه یا هر دستگاه قابل حمل دستی به فرمت دیجیتالی نوشته و یا تبدیل شده است.» در حقیقت کتاب الکترونیکی یک منبع دیجیتالی است که اطلاعات و دانش را به صورت مدون و مشکل به شکل انسجام یافته توسط ابزارهای اختصاصی یا دیگر ابزارها چون رایانه و یا گوشی‌های هوشمند به طریق برخط یا نابرخط قابل مطالعه و دسترس می‌باشد.

جمع‌بندی مطالب

تغییرات و تحولات حاصل از انقلاب تکنولوژی زندگی بشر را مشتمل بر ابزارها و وسایل جدید و بدیعی ساخته است تا با مسائل و مشکلات به نحو مطلوبی روبه‌رو شود. حوزه تعلیم و تربیت نیز عاری از این عوامل نبوده است و با ظهور و بروز کتاب الکترونیکی با این تغییرات به نحو مطلوبی رویارویی نماید. این نوع کتاب‌ها با انعطافی که در شیوه استفاده و انتقال اطلاعات دارند باعث کاربرد هر چه بیشتر کارشناسان و علمای تعلیم و تربیت شده است.



۱۵ اسفند روز درختکاری



کاهش آلودگی هوا

تولید اکسیژن

جلوگیری از
فرسودگی خاک

منبع تولید چوب

فواید درختکاری

برنامه ریزی و آموزش

راهکارهای نهادینه سازی
فرهنگ درختکاری

کاشت درختان بومی

جلوگیری از کاشت درختان غیربومی

طبقه موفقیت



نوبهار است ، در آن کوش که خوشدل باشی که بسی گل بید باز و تو در گل باشی
من نگویم که کنون با که نشین و چه بنوش که تو خود دانی اگر زیک و عاقل باشی
چنگ در پرده همین می دبت پند ولی وعظت آن گاه کند سود که قابل باشی
در چمن هر ورقی دفتر حالی دگر است حیف باشد که ز کار همه غافل باشی

حافظ



